

درس هفتم: (عقل در فلسفه ۱)

خلاصه درس هفتم

- ✓ مفهوم «فلسفه» با «عقل» و «عقلانیت» گره خورده است. معمولاً از فیلسوفان به عنوان مهم‌ترین مدافعان عقل یاد می‌کنند. آنان وجه تمایز انسان از حیوان را همین عقل می‌دانند و معتقدند که منظور ارسطو از ناطق، وقتی که انسان را به «حیوان ناطق» تعریف می‌کند، همان «عقل» است.
- ✓ انسان با عقل خود استدلال می‌کند و می‌تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست و نیز می‌تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد. انسان با عقل خود می‌تواند پی برد که کدام سخن درست و کدام نادرست است. این توانمندی در کودک به صورت بالقوه است و با تربیت و تمرین به فعلیت می‌رسد و ثبوت می‌شود و به همین سبب، در افراد مختلف، متفاوت است.
- ✓ کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند. بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود دارد که با حیوانی ظاهری نمی‌توان آن‌ها را درک کرد. یکی از این عوالم، «عالم عقل» است (فرشتگان).
- ✓ روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به چنین مرتبه‌ای از عقل را دارد؛ یعنی با تهذیب نفس به مرتبه‌ای برسد که از ماده مجرد باشد و همچون عقول، بسیاری از حقایق را شهود کند.
- ✓ فیلسوفان، قوه تعقل را مرتبه نازل عقل (موجود مجرد) می‌دانند.
- ✓ اندیشمندان ایران هم از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه بوده‌اند و هم به عقل به عنوان تعقل و خردورزی و برهان اهمیت می‌داده‌اند.
- ✓ عقل (لوگوس) نزد هراکلیتوس، همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن. بنابراین، از نظر هراکلیتوس اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند.
- ✓ پارمنیدس، دیگر فیلسوف یونانی پیش از سقراط، معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور بایده آن متصل شود.
- ✓ افلاطون به عقل که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می‌نامید اعتقاد داشت و انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می‌دانست.
- ✓ ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه‌ای داشت و توضیح می‌داد که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می‌دهد، به عقل نظری و عملی تقسیم می‌شود. ارسطو انسان را با مفهوم «حیوان ناطق» تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود. ارسطو عقل را ذاتی انسان می‌داند.

✓ بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال‌های عقلی می‌ایستادند. در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن‌های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند. اما از آنجا که این توجّه با مبانی اوّلیّه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به تقابل عقل و دین شد.

✓ البته در همان ابتدای توجه به عقل در اروپا، اختلافی میان فلاسفه آغاز شد و به تدریج رشد کرد؛ به گونه‌ای که فیلسوفان اروپا به دو دسته عقل‌گرا و تجربه‌گرا تقسیم شدند. فرانسیس بیکن، که روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می‌دانست، از فیلسوفان خواست که از بت‌هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته‌اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می‌آید تکیه کنند. عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از رنسانس تاکنون تطوّراتی را پشت سر گذاشته که عمدتاً مربوط به حدود توانایی‌های عقل است. در ابتدای رنسانس عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.

✓ دکارت به همه توانایی‌های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجّه داشت. او معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. اما او دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده‌ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می‌دانست.

✓ کانت در داوری میان عقل‌گرایان و تجربه‌گرایان، این بخش از نظر تجربه‌گرایان را پذیرفت که عقل نمی‌تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند. کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند وجود و ضرورت و امکان و علیت نظری متفاوت با فیلسوفان گذشته داشت. فیلسوفان گذشته مانند ارسطو و ابن سینا، عقیده داشتند که عقل این مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است. کانت عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کرد که مفاهیم ذهنی را شناسایی می‌کند.

✓ او گوست کنت عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند. از نظر او عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می‌شود، به واقعیت دست می‌یابد و به «علم» می‌رسد. این دیدگاه به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت.

نکات توضیحی

نکته: کلمه «هورامزادمرگب از هورامزداست» گاه فقط هورایامزدا به کار می‌رود. مزدایعی دانای یکتا و به قول فرودسی «خداوند جان و خرد»

نکته: در پاورقی ص ۵۰، لاندا یا لامبدا هر دو درست است. لاندا یا لامبدا (بزرگ Λ ، کوچک λ) به یونانی $\Lambda\alpha\mu\delta\alpha$ یا $\Lambda\alpha\mu\beta\delta\alpha$ ، یازدهمین حرف الفبای یونانی است.



@سوالات

@گزاره‌های زیر را با واژه صحیح و غلط مشخص کنید:

- ۱- مفهوم "فلسفه" با "عقل" و "عقلانیت" گره خورده است.
- ۲- معمولا از عرفا به عنوان مهم ترین مدافعان عقل یاد می کنند.
- ۳- مفهوم "دین" ما را به یاد "ایمان" می اندازد و مفهوم "عرفان" "شهود و عشق" تداعی می کند.
- ۴- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را استدلال می دانند.
- ۵- فیلسوفان معتقدند که منظور ارسطو از ناطق، "عقل" است.
- ۶- تاریخ فلسفه با تاریخ عقل پیوندی ناگسستنی دارد و همان تحولات معنا و محدوده عقل، با تحولات عرفانی گره خورده است.
- ۷- عقل توانمندی ای است که به کمک آن سوال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایق دست می یابیم.
- ۸- انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست.
- ۹- انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست، و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است.
- ۱۰- عقل، در افراد مختلف، یکسان است. برخی از انسان ها قدرت هوش بیشتر و بعضی قدرت هوش کمتری دارند.
- ۱۱- موجودات مجرد از ماده در افعال خود به ابزار مادی نیاز دارند.
- ۱۲- بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد. یکی از این عوالم، عالم عقل است.
- ۱۳- موجودات عقلانی، موجودات مجرد از ماده و جسم اند.
- ۱۴- فیلسوفان معتقدند که علم موجودات عقلانی، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم است.
- ۱۵- عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را "شهود" می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.
- ۱۶- فیلسوفان الهی معتقدند که روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به مرتبه ای از عقل را دارد.
- ۱۷- فیلسوفان الهی معتقدند روح هر انسانی می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملا از ماده و جسم مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است.
- ۱۸- فیلسوفان الهی معتقدند روح هر انسانی همچون نفوس، بسیاری از حقایق را شهود کند.
- ۱۹- فیلسوفان الهی، قوه استدلال را مرتبه عالی عقل مجرد می شمارند.

۲۰- فیلسوفان الهی می گویند توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی، خود پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست. ۲۱- فیلسوفان الهی معتقدند پس از شکل گرفتن مفاهیم کلی است که انسان توانایی صورت بندی استدلال را پیدا میکند و قیاس های مختلف رامی سازد.

۲۲- از عهد باستان تا کنون، از چین در جنوب آسیا تا یونان و روم در اروپا، گزارش هایی درباره عقل و تحلیل و تبیین فیلسوفان از آن وجود دارد.

۲۳- یکی از کانون های اولیه عقل گرایی و خردورزی، ایران باستان است که اندیشمندان آن به حکما و شهود، شهرت داشتند.

۲۴- گزارش فردوسی در شاهنامه و برخی نقل های تاریخی و آثار مکتوب مربوط به دوره ایران باستان از توجه به عقل و خردورزی حکایت می کنند.

۲۵- در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار جدا و بیگانه است و آفریدگار، کل جهان را با شهود و وحی رهبری می کند.

۲۶- حکیمان ایران باستان عقیده داشتند که "خدا بر اساس خرد می آفریند".

۲۷- حکیمان ایران باستان معتقد بودند که "ژئوس" که همان خدایت، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدان ها و خردهارا آفریده است.

۲۸- به نظرمی رسد که حکیمان ایران باستان معتقدند خرد و عقل که آفریده آفریننده است، وجودی نفسانی است که خرد و عقل انسان پرتو و مظهر اوست.

۲۹- عقل نزد دموکریتوس، همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن.

۳۰- از نظر هراکلیتوس اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند.

۳۱- هراکلیتوس، معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود.

۳۲- افلاطون، انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می دانست.

۳۳- ارسطو معتقد است که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می شود.

۳۴- ارسطو معتقد است دانش بشری نیز دو قسم عقل نظری و عقل عملی تقسیم می گردد.

۳۵- افلاطون استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت.

۳۶- ارسطو انسان را با مفهوم "حیوان ناطق" تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود.

۳۷- ارسطو عقل را ذاتی انسان می دانست. بدین ترتیب، او تصویر روشن تری از استدلال عرضه کرد.

۳۸- عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از رنسانس تا کنون، تحولات و تطوراتی را از سر گذرانده که عمدتاً مربوط به حدود تواناییهای عقل است.

۳۹- در ابتدای رنسانس تحولات اجتماعی و فکری همیشه در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد.

۴۰- در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، دین یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد

۴۱- در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن ۳ تا ۹) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند.

۴۲- همه بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند

۴۳- برخی از بزرگان کلیسامی گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

۴۴- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن های یازدهم تا نهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند.

۴۵- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، از آنجا که توجه به کتب فیلسوفان مسلمان، بامبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری داشت، منجر به حاکمیت دین در مقابل عقل شد.

۴۶- به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۴۷- در همان ابتدای توجه به عقل در اروپا، اختلافی میان فلاسفه آغاز شد و به تدریج رشد کرد. به گونه ای که فیلسوفان اروپا به دو دسته "عقل گرا" و "تجربه گرا" تقسیم شدند.

۴۸- "فرانسیس بیکن" روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشری دانست،

۴۹- "فرانسیس بیکن" از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ماساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق شهود درونی به دست می آید تکیه کنند.

۵۰- دکارت به برخی توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.

۵۱- دکارت معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند.

۵۲- دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، عقیده داشت.

۵۳- دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه فلسفی منظم می دانست.

۵۴- کانت در داوری میان عقل گرایان و تجربه گرایان، این بخش از نظر تجربه گرایان را پذیرفت که عقل نمی تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند.

۵۵- کانت برخلاف تجربه گرایان، راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد.

۵۶- کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند "وجود"، "ضرورت"، "امکان" و، "علیت" نظری مشابه با فیلسوفان گذشته داشت.

۵۷- ارسطو وابن سینا، عقیده داشتند که عقل، مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است.

۵۸- کانت معتقد بود که مفاهیم فلسفی ساختار ذهن انسان اند و عقل و ذهن، اشیای خارجی را در این ساختار درک می کند.

۵۹- بیان کانت در مورد مفاهیم فلسفی، تحولی عظیم در کارکرد فلسفه به وجود آورد.

۶۰- بیان کانت در مورد مفاهیم فلسفی، عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کرد که مفاهیم ذهنی را

شناسایی می کند.

۶۱- اوگوست کنت در قرن نوزدهم با تأثیرپذیری از دیدگاه کانت درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ابژکتیو خواند.

۶۲- اوگوست کنت معتقد است که فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه میدهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر بر واقعیت نیست.

۶۳- به نظر اوگوست کنت دستگاهی فلسفی ارائه شده فیلسوفان از جهان، حاصل تأملات روحی و روانی آنان است.

۶۴- از نظر اوگوست کنت، عقل صرفاً آنگاه که باروش تجربی وحسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد.

۶۵- از نظر اوگوست کنت فقط حس از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۶۶- دیدگاه اوگوست کنت به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت.

۶۷- دیدگاه اوگوست کنت به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت.

۶۸- فلاسفه الهی، توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی را پرتوی از عقل مجرد می دانند. (نهایی دی ماه ۹۸)

۶۹- هراکلیتوس معتقد به حقیقتی به نام لوگوس بود که به معنای عقل و نطق می باشد. (نهایی دی ماه ۹۸)



@جوابها: ۱-ص ۲-غ ۳-ص ۴-غ ۵-ص ۶-غ ۷-ص ۸-ص ۹-ص ۱۰-غ ۱۱-غ ۱۲-ص ۱۳-ص ۱۴-غ ۱۵-ص ۱۶-ص ۱۷-ص
 ۱۸-غ ۱۹-غ ۲۰-ص ۲۱-ص ۲۲-غ ۲۳-غ ۲۴-ص ۲۵-غ ۲۶-ص ۲۷-غ ۲۸-غ ۲۹-غ ۳۰-ص ۳۱-غ ۳۲-ص ۳۳-ص ۳۴-غ ۳۵-غ
 ۳۶-ص ۳۷-غ ۳۸-ص ۳۹-غ ۴۰-غ ۴۱-غ ۴۲-غ ۴۳-ص ۴۴-ص ۴۵-غ ۴۶-غ ۴۷-ص ۴۸-ص ۴۹-غ ۵۰-غ ۵۱-ص ۵۲-ص ۵۳-غ
 ۵۴-ص ۵۵-ص ۵۶-غ ۵۷-ص ۵۸-ص ۵۹-غ ۶۰-ص ۶۱-غ ۶۲-ص ۶۳-غ ۶۴-ص ۶۵-غ ۶۶-ص ۶۷-ص ۶۸-ص ۶۹-ص

@جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

- ۷۰- عقل توانمندی ای است که به کمک آن می کنیم و از این طریق به و دست می یابیم.
- ۷۱- انسان با می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد.
- ۷۲- از نظر فیلسوفان، توانمندی عقل در کودک به صورت است؛ با تربیت و تمرین به می رسد و تقویت می شود
- ۷۳- کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید نیستند.
- ۷۴- فیلسوفان الهی معتقدند بسیاری از فرشتگان که در کتابهای آسمانی از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است، اند که فیلسوفان با وجود آنها را اثبات می کنند
- ۷۵- فیلسوفان با دلیل و برهان وجود را اثبات می کنند
- ۷۶- فیلسوفان معتقدند که علم از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست.
- ۷۷- عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را "....." می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.
- ۷۸- فیلسوفان الهی معتقدند روح هر انسانی همچون بسیاری از حقایق را شهود کند.
- ۷۹- فیلسوفان الهی، قوه استدلال را مرتبه نازل و پایین می شمارند.
- ۸۰- فیلسوفان الهی معتقدند پس از شکل گرفتن مفاهیم است که انسان توانایی صورت بندی را پیدا میکند و قیاس های مختلف رامی سازد.
- ۸۱- یکی از کانون های اولیّه عقل گرایی و خردورزی، است که اندیشمندان آن به خردورزی و قرزائیگی شهرت داشتند.
- ۸۲- دردوره هم از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه بوده اند و هم به عقل به عنوان تعقل و خردورزی و برهان اهمیت می داده اند.
- ۸۳- در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه است و آفریدگار، کل جهان را با رهبری می کند.
- ۸۴- حکیمان ایران باستان معتقد بودند که "....." که همان خداست.
- ۸۵- به نظر میرسد که حکیمان ایران باستان معتقدند خرد و عقل که آفریده است، وجودی است که خرد و عقل انسان پرتو مظهر اوست.
- ۸۶- در میان فیلسوفان یونان باستان، هراکلیتوس از حقیقتی به نام "....." سخن می گوید که هم به معنای "....." است و هم "....."
- ۸۷- هراکلیتوس به هر دو معنای عقل توجه داشته است و "....." و "....." نزد او ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند.
- ۸۸- افلاطون مانند پارمیندس به عقلی، که آن را "....." یا "....." می نامید، اعتقاد داشت.
- ۸۹- ارسطو به عقل به عنوان قوه انسان، توجه ویژه ای داشت.
- ۹۰- ارسطو معتقد است که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد، به عقل و عقل تقسیم می شود
- ۹۱- ارسطو انواع استدلال ها را در بخش آثار خود تدوین کرد.
- ۹۲- ارسطو را از محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت.

- ۹۳- ارسطو انسان را با مفهوم "....." تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود.
- ۹۴- ارسطو عقل را..... انسان می دانست. بدین ترتیب، او تصویر روشن تری از عرضه کرد.
- ۹۵- عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از تا کنون، تحولات و تطوراتی را از سرگذرانده که عمدتاً مربوط به حدود است.
- ۹۶- در ابتدای تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسای روم می خورد..... جایگاه ممتازی پیدا کرد.
- ۹۷- برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند.
- ۹۸- برخی از بزرگان کلیسای گفتند که..... از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.
- ۹۹- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به و مسائل دینی روی آوردند.
- ۱۰۰- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، از آنجا که توجه به کتب فیلسوفان مسلمان، بامبانی اولیه سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد.
- ۱۰۱- به تدریج، در دوره عقل جای دین را گرفت و دین راد گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.
- ۱۰۲- "فرانسویس بیکن" را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشری دانست.
- ۱۰۳- فرانسویس بیکن از فیلسوفان خواست که از بنیادهایی که فلاسفه قدیم برای ماساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق به دست می آید تکیه کنند.
- ۱۰۴- دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.
- ۱۰۵- دکارت معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با اثبات کند.
- ۱۰۶- دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه می دانست.
- ۱۰۷- کانت در داوری میان عقل گرایان و تجربه گرایان، این بخش از نظر تجربه گرایان را پذیرفت که عقل وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند.
- ۱۰۸- کانت برخلاف راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد.
- ۱۰۹- کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند "وجود"، "ضرورت"، "امکان" و، "علیت" نظری با فیلسوفان گذشته داشت.
- ۱۱۰- ارسطو و ابن سینا، عقیده داشتند که عقل، را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است.
- ۱۱۱- بیان کانت در مورد مفاهیم فلسفی، عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کرد که "....." را شناسایی می کند.
- ۱۱۲- اوگوست کنت در قرن نوزدهم با تأثیرپذیری از دیدگاه کانت درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را خواند.
- ۱۱۳- به نظر دستگاه فلسفی ارائه شده فیلسوفان از جهان، بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.
- ۱۱۴- از نظر اوگوست کنت، عقل صرفاً آنگاه که باروش تجربی و حسی وارد عمل میشود، به واقعیت دست مییابد و به "....." می رسد.

۱۱۵- از نظر اگوست کنت فقط عقل از طریق می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۱۱۶- دیدگاه به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت.

۱۱۷- حکمای ایران باستان معتقد بودند که همان خداست و با خود، جهانیان را آفریده است. (نهایی دی ماه ۹۸)

@ جواب ها: ۷۰- (استدلال/دانشها/حقایق) ۷۱- (عقل) ۷۲- (بالقوه/فعلیت) ۷۳- (زمان و مکان) ۷۴- (موجودات عقلانی/دلیل وبرهان)
۷۵- (موجودات عقلانی) ۷۶- (موجودات عقلانی) ۷۷- (شهود) ۷۸- (عقول) ۷۹- (عقل مجرد) ۸۰- (کلی/استدلال) ۸۱- (ایران باستان)
۸۲- (ایران باستان) ۸۳- (خرد/عقل) ۸۴- (مزد) ۸۵- (آفریننده/عقلانی) ۸۶- (لوگوس/عقل/نطق) ۸۷- (کلمه/سخن) ۸۸- (عقل جهانی/عقل کلی) ۸۹- (استدلال) ۹۰- (نظری/عملی) ۹۱- (منطق) ۹۲- (استدلال تجربی/استدلال عقلی) ۹۳- (حیوان ناطق) ۹۴- (ذاتی/عقل)
۹۵- (رنسانس/توانایی های عقل) ۹۶- (رنسانس/عقل) ۹۷- (شیطانی) ۹۸- (ایمان قوی) ۹۹- (عقل/تبیین عقلانی) ۱۰۰- (کلیسای کاتولیک) ۱۰۱- (رنسانس) ۱۰۲- (روشن تجزیه) ۱۰۳- (تجزیه) ۱۰۴- (عقل) ۱۰۵- (استدلال) ۱۰۶- (منطقی استدلال) ۱۰۷- (نمی تواند) ۱۰۸- (تجربه گرایان) ۱۰۹- (متفاوت) ۱۱۰- (مفاهیم فلسفی) ۱۱۱- (مفاهیم ذهنی) ۱۱۲- (کاملآذهنی) ۱۱۳- (اگوست کنت)
۱۱۴- (علم) ۱۱۵- (علم تجربی) ۱۱۶- (اگوست کنت) ۱۱۷- (مزد/خرد)

۱۱۸- هر یک از گزینه های سمت راست با یکی از گزینه های سمت چپ مناسبت دارد. آنها را در کنار هم

بنویسید (یک مورد در سمت چپ اضافی است)

- | | |
|-------------------------------|------------------------------|
| الف) فیلسوفان | ۱- عقل جهانی |
| ب) عقل | ۲- قوه استدلال وبرهان |
| ج) ظهور وپرتو عقل | ۳- سخن وکلمه |
| د) مرتبه نازل وپایین عقل مجرد | ۴- ویژگی حکیمان ایران باستان |
| و) خردورزی وفرزانگی | ۵- وجه متمایز انسان از حیوان |
| ه) عقل کلی | ۶- مهم ترین مدافعان عقل |
| ی) لوگوس | ۷- عشق |
| | ۸- عقل ونطق |

@ جواب: الف) ۶ ب) ۵ ج) ۳ د) ۳ و) ۴ ه) ۱ ی) ۸

۱۱۹- هریک از گزینه ها عقیده کدام شخصیت درباره عقل می باشد: (نهایی دی ماه ۹۸)

- الف) انسان برخوردار از مراتبی از عقل جهانی و کلی می باشد. ۱- ارسطو
ب) عقل، ذاتی انسان است و همان نطق می باشد. ۲- افلاطون
ج) عقل عامل تضعیف ایمان می باشد. ۳- هیوم
د) عقل بعنوان عامل شناسایی مفاهیم ذهنی است. ۴- کانت
۵- بزرگان کلیسای قرن ۳ تا ۹م

@ جواب: الف) ۲ ب) ۱ ج) ۵ د) ۴

@ گزینه صحیح را انتخاب کنید:

- ۱۲۰- کدام گزینه نادرست است؟
۱) مفهوم "فلسفه" با "عقل" و "عقلانیت" گره خورده است.
۲) افلاطون، انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می دانست.
۳) موجودات مجرد از ماده در افعال خود به ابزار مادی نیاز دارند.
۴) حکیمان ایران باستان عقیده داشتند که خدا بر اساس خرد می آفریند.
۱۲۱- در کدام عبارت مفهوم عقل با نظر هراکلیتوس سازگاری و مطابقت دارد؟
۱) همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن.
۲) معتقد به عقلی بود که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می نامید.
۳) معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود.
۴) همان قوه استدلال انسان است که بر اساس کاری که انجام می دهد به نظری و عملی تقسیم می شود.
۱۲۲- مفهوم عقل در دوره جدید اروپا.....

- ۱) تطوراتی را پشت سر گذاشته که منحصرًا مربوط به حدود توانایی های قوه فاهمه انسان است.
۲) قوه عقل، یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.
۳) در ابتدای رنسانس عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و محل چالش بین فلسفه و کلام شد.
۴) عقیده داشتند که عقل، مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است.

۱۲۳- در نظر دکارت و کانت به ترتیب مفهوم عقل چه جایگاهی دارد؟

۱) می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. / به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان عقیده ای نداشت.

۲) به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان عقیده ای نداشت / عقل نمیتواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند.

۳) نمی تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. / عقل میتواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند.

۴) به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان عقیده ای داشت / به همه تواناییهای عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، توجه داشت.

۱۲۴- کدام عبارت در مورد کارکرد عقل از نظر اگوست گنت، نادرست است؟

۱) از نظر اگوست گنت فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۲) عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت و علم دست می یابد.

۳) فیلسوفان، دستگاهی فلسفی که از جهان ارائه می دهند حقیقتاً بر خاسته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.

۴) اوگوست گنت، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ابژکتیو خواند.

@ جواب تست ها: ۱۲۰- گزینه ۳ ۱۲۱- گزینه ۱ ۱۲۲- گزینه ۲ ۱۲۳- گزینه ۲ ۱۲۴- گزینه ۴

@ به سؤالات ذیل جواب کوتاه دهید:

۱۲۵- به سؤالات ذیل در مورد عقل پاسخ دهید:

الف- از فیلسوفان با چه عنوانی یاد می شود؟

مهم ترین مدافعان عقل

ب- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان چه می دانند؟

عقل

ج- منظور ارسطو از "ناطق" در تعریف انسان به حیوان ناطق چیست؟

عاقل

د- ارتباط تاریخ فلسفه با تاریخ عقل چگونه است؟

پیوندی ناگسستنی دارد و تحولات معنا و محدوده عقل، با تحولات فلسفه گره خورده است.

ذ- مفهوم عقل تعریف کنید؟

عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم.
۱۲۶- هریک از مفاهیم دین، عرفان و فلسفه به ترتیب با چه موضوعاتی گره خورده است؟

ایمان- شهود و عشق- عقل و عقلانیت

۱۲۷- دومورد از سوالات مطرحه در فلسفه پیرامون عقل را بنویسید؟

الف- مقصود فیلسوفان از عقل چیست؟ ب- محدوده و قلمرو آن چه اندازه است و این قلمرو چه تحولاتی را در طول تاریخ طی کرده است؟ ج- امروزه عقل چه جایگاهی در فلسفه دارد؟

۱۲۸- طبق نظر بسیاری از فلاسفه، عوالم وجود دارند، دونمونه را فقط نام ببرید.

الف- عالم طبیعت (۲) عالم عقل

۱۲۹- آیا می توان عالم عقل با حواس درک و فهم کرد؟ چرا؟

خیر، چون حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد.

۱۳۰- فیلسوفان الهی، کدام قوه را مرتبه نازل یا پایین عقل مجرد می شمارند؟

قوه استدلال

۱۳۱- به ترتیب ایران باستان و اندیشمندان آن، دارای چه ویژگی خاصی بودند؟

یکی از کانون های اولیه عقل گرایی، خردورزی و فرزاندگی

۱۳۲- مقصود حکیمان ایران باستان از مفهوم مزد چیست؟ و از چه طریقی جهانیان، وجدانها و خردها را آفریده است؟

همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدان ها و خردها را آفریده است.

۱۳۳- این بیت فردوسی در آغاز شاهنامه " به نام خداوند جان و خرد گزین برتر اندیشه برنگذرد

"بیانگر چیست؟

بیانگر وجود فرزاندگانی است که از خرد و عقل بهره داشته و حکیمان زندگی نموده اند.

۱۳۴- مقصود هراکلیتوس از لوگوس چیست؟ و چه چه چیزی نزد او، پرتو لوگوس محسوب می شوند؟

عقل و نطق، کلمه و سخن

۱۳۵- در میان فیلسوفان یونان باستان، هراکلیتوس از چه حقیقتی سخن می گوید و معنای آن چیست؟

ز حقیقتی به نام لوگوس سخن می گوید که به معنای عقل و نطق است.

۱۳۶- مقصود افلاطون از عقل جهانی چیست؟ عقیده او در این مورد را بنویسید؟

عقل کلی، انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می دانست.

۱۳۷- با توجه به عقیده ارسطو به سوالات ذیل پاسخ دهید؟

الف- قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد، به چند قسم تقسیم می شود؟ نام ببرید.

نظری و عملی

ب- اقسام علم را نام ببرید؟

نظری و عملی

ج- ارسطو انواع استدلال را در کدام بخش از آثار خود تدوین کرده است؟
در بخش منطق

د- مقصود ارسطو از نطق در تعریف انسان " حیوانی است ناطق " چه بود؟
همان تفکر بود.

ر- ارسطو چگونه تصویر روشنی از عقل ارائه می کند؟

عقل را ذاتی انسان می دانست و تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد.

و- ارسطو کدام نوع استدلال ها را در بخش منطق آثار خود از هم جدا ساخت؟

استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت.

۱۳۸- ویژگی اصلی عقل در دوره اول حاکمیت مسیحت چه بود؟

در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسای خدایت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند.

۱۳۹- مشخصه اصلی دوره دوم حاکمیت کلیسا، در قرون ۱۰ تا ۱۳ چه بود؟

روی آوردن به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی

۱۴۰- فرانسیس بیکن ، کدام روش را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست؟

روش تجربی

۱۴۱- دکارت به کدام یک از توانایی های عقل توجه داشت؟

به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.

۱۴۲- اختلاف میان فلاسفه در ابتدای توجه به عقل در اروپا، فیلسوفان اروپایی را به دو دسته تقسیم کرد؟ نام ببرید.

عقل گرا و تجربه گرا

۱۴۳- عقیده ارسطو ابن سینا، در مورد مفاهیم فلسفی چیست؟

ارسطو و ابن سینا، عقیده داشتند که عقل این مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است.

۱۴۴- نظر کانت را پیرامون مفاهیم فلسفی بنویسید؟

این مفاهیم ساختار ذهن انسان اند و عقل و ذهن، اشیای خارجی را در این ساختار درک می کنند.

۱۴۵- اوگوست کنت در قرن ۱۹، از کدام فیلسوف درباره عقل تاثیر پذیرفت؟ و به طور کلی عقل فلسفی و کار

عقل در تأسیس فلسفه را چه چیز خواند؟

کانت، کاملاً ذهنی خواند.

۱۴۶- از نظر اوگوست کنت ، از طریق چه ابزاری و چگونه می توان به شناخت واقعیت نائل شد؟

عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد.

۱۴۷- گسترش دیدگاه اوگوست کنت در مورد عقل، در چه مسائلی اثری برجای گذاشت؟

نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان

۱۴۸- تحولاتی که عقل از رنسانس تا کنون پشت سر گذاشته، بیشتر مربوط به کدام حیطه و فلرم و عقل

است؟

حدود توانایی های عقل



۱۴۹- عقل دارای چه محدوده و قلمروی است؟ توضیح دهید. (ذکر دو مورد کافی است) یا کارکردهای عقل را بنویسید؟

- ۱- عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایق دست می یابیم.
- ۲- انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست.
- ۳- عقل نیز می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد.
- ۴- انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست، و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است.
- ۵- کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند.

۱۵۰- تعبیر فیلسوفان از نوع دیگر عقل به غیر از عقل انسان چیست؟ و منظور از این نوع عقل چیست؟ و شامل چه موجوداتی می شود؟

کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند. فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از فرشتگان که در کتابهای آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسمند که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند. آنان معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را "شهود" می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

۱۵۱- از نظر فیلسوفان الهی، علم عقول (موجودات مجرد یا فرشتگان) چگونه بدست می آید؟

آنان معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را "شهود" می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

۱۵۲- روح انسان در نظر فیلسوفان الهی، چگونه می تواند همانند عقول بسیاری از حقایق را مشاهده نماید؟

فیلسوفان الهی معتقدند که روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به چنین مرتبه ای از عقل را دارد؛ یعنی می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است، همچون عقول، بسیاری از حقایق را شهود کند.

۱۵۳- فیلسوفان الهی، کدام قوه را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می شمارند، عقیده آنها را در این باره بنویسید.

این فیلسوفان، قوه استدلال را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می شمارند و می گویند توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی، خود پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست. پس از شکل گرفتن مفاهیم کلی است که انسان توانایی صورت بندی استدلال را پیدامی کند و قیاس های مختلف را، آن گونه که در منطق گفته شده است، می سازد.

۱۵۴- گزارش فردوسی در شاهنامه و برخی نقل های تاریخی و آثار مکتوب مربوط به ایران باستان، حکایتگر چیست؟

این گزارش ها از توجه به عقل و خردورزی حکایت می کنند؛ به گونه ای که می توان گفت آنان هم از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه بوده اند و هم به عقل به عنوان تعقل و خردورزی و برهان اهمیت می داده اند.

۱۵۵- جایگاه عقل در دوره جدید اروپا و ابتدای رنسانس را با دوره اول و دوم حاکمیت مقایسه کنید؟

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می‌خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد؛ در حالی که قبل از آن، به خصوص در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان میدانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال‌های عقلی می‌ایستادند و می‌گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه‌های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن‌های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه‌ای از زندگی انسان‌ها به حاشیه راند.

۱۵۶- حکیمان ایران باستان، چگونه ارتباط خرد و آفریدگار را تبیین می‌کنند؟ بنویسید.

در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه است. و آفریدگار، کل جهان را با خرد و عقل رهبری می‌کند. آنان عقیده داشتند که خدا بر اساس خرد می‌آفریند و می‌گفتند که مزد که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدان‌ها و خرد‌ها را آفریده است. به نظر می‌رسد که این خرد و عقل که آفریده آفریننده است، وجودی عقلانی است که خرد و عقل انسان پرتو و مظهر اوست.

۱۵۷- وجه تشابه معنای عقل نزد پارمیندیس و افلاطون چیست؟ آن را بیان کنید.

پارمیندیس، دیگر فیلسوف یونانی پیش از سقراط، معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود. افلاطون نیز به چنین عقلی، که آن را عقل جهانی یا عقل کلی می‌نامید، اعتقاد داشت و انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می‌دانست.

۱۵۸- عقل و اشیاء عالم، به ترتیب نزد هراکلیتوس چه چیزی هستند؟

همان حقیقتی است که جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن. بنابراین، از نظر هراکلیتوس اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند.

۱۵۹- چرا ارسطو به عقل توجه ویژه‌ای داشت و بر چه اساسی آن را به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرده است؟

ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه‌ای داشت و توضیح می‌داد که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می‌دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود.

۱۶۰- عقل در دوره جدید اروپا و ابتدای رنسانس چه جایگاهی در فلسفه پیدا کرد؟

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می‌خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.

۱۶۱- در دوره اول حاکمیت کلیسا، در مورد عقل چه دیدگاهی حاکم بود؟

در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال‌های عقلی می‌ایستادند و می‌گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه‌های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.



۱۶۲- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، اندیشه های فیلسوفان مسیحی تحت تاثیر اندیشه های کدام فیلسوفان واقع گردید و چه نتایجی به همراه داشت؟

در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرنهای یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتابهای ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۱۶۳- ویژگی اصلی دوره دوم حاکمیت کلیسا در مورد تقابل عقل و دین چه بود؟

در این دوره فیلسوفان مسیحی به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۱۶۴- نظر دکارت در مورد توانایی های عقل را بنویسید؟

دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. البته او دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست.

۱۶۵- فرانسیس بیکن کدام روش را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست؟ توضیح دهید.

روش تجربی، از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ماساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند.

۱۶۶- وجه تشابه و تمایز کانت با عقل گرایان و تجربه گرایان در مورد محدودۀ توانایی های عقل را بررسی کنید؟

کانت در داوری میان عقل گرایان و تجربه گرایان، این بخش از نظر تجربه گرایان را پذیرفت که عقل نمی تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند، اما برخلاف آنان، راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد.

۱۶۷- از نظر فیلسوفان علم موجودات عقلانی چگونه است؟

آنان معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را "شهود" می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

۱۶۸- نظر کانت را در مورد مفاهیم فلسفی با فیلسوفان گذشته (ارسطو و ابن سینا) مقایسه کنید؟

کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند وجود، ضرورت، امکان و علیت نظری متفاوت با فیلسوفان گذشته داشت. فیلسوفان گذشته مانند ارسطو و ابن سینا، عقیده داشتند که عقل این مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است اما کانت معتقد بود که این مفاهیم ساختار ذهن انسان اند و عقل و ذهن، اشیا خارجی را در این ساختار درک می کند. این بیان کانت، تحولی عظیم در کارکرد عقل به وجود آورد و عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کرد که مفاهیم ذهنی را شناسایی می کند.

۱۶۹- اوگوست کنت در قرن نوزدهم، درباره عقل از چه کسی تاثیر پذیرفت؟ و به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تاسیس فلسفه را چه نامید؟ نحوه تبیین او را توضیح دهید. اوگوست کنت در قرن نوزدهم با تاثیر پذیری از دیدگاه کانت درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تاسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند. او گفت که فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه می دهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر بر واقعیت نیست بلکه بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.

۱۷۰- از نظر اوگوست کنت، عقل از چه روشی می تواند به علم برسد؟ توضیح دهید. از نظر او، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد. بنابراین، از نظر کنت فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۱۷۱- اثرات دیدگاه اوگوست در مورد عقل در میان فیلسوفان اروپایی و مسائل مختلف را بنویسید. این دیدگاه به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان اثراتی برجای گذاشت.

۱۷۲- از نظر فیلسوفان، توانمندی عقل در کودکان به چه صورت است و چگونه به فعلیت می رسد؟ و چرا برخی از انسان ها قدرت عقلی بیشتر و بعضی قدرت عقلی کمتری دارند؟

از نظر فیلسوفان، این توانمندی در کودک به صورت بالقوه است؛ با تربیت و تمرین به فعلیت می رسد و تقویت می شود و به همین سبب، در افراد مختلف، متفاوت است. برخی از انسان ها قدرت عقلی بیشتر و بعضی قدرت عقلی کمتری دارند.

۱۷۳- مصداق وجودی عقل را به اختصار توضیح دهید؟

بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد. یکی از این عوالم عالم عقلاست فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از فرشتگان که در کتابهای آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم اند که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات میکنند.

@ جواب فعالیت ها و تمرینات درس ۷

نمایش ظاهر نظر ص ۴۹

✓ به ترتیب: ۱- هر کس سخنی را بدون دلیل بپذیرد، خود را از عقل استدلالی محروم کرده است، هر چه بهره انسان از عقل کمتر باشد، به همان اندازه از انسانیت دور شده است. ۲- اوگوست کنت خود را به حسی و تجربی محدود کرده است. در حالی که حس و تجربه بدون عقل لنگ است. ۳- کسی که خود را در مراتب پایین عقل یا همان عقل مفهومی و استدلالی محدود و متوقف کند، از حقایق شهودی بهره ای نخواهد داشت. ۴- تصور امثال ویتگنشتاین از دین همان مسیحیت است که به تقدم ایمان بر عقل معتقد است و در متون دینی و آموزه ها و عقاید مسیحی مواردی هست که با عقل سازگار نیست. بنا بر این در نظر اینان، ایمان امری خلاف عقل و خردستیز و غیر علمی است.

ملاحظه راهنمای معلم: ۱- جمله اول از ابن سیناست و درباره یک عادت ناپسند است. برخی افراد بدون اینکه درباره سخن ها و نظرات بیندیشند و دلیل گوینده سخن را بررسی کنند، سخن ها را می پذیرند و پیرو نظراتی می شوند که از طرف شخصیت های مورد علاقه آنها بیان شده است. ابن سینا چنین افرادی را مذمت می کند و میگوید این افراد مهم ترین ویژگی انسانی که انسان را از حیوانات متمایز می کند، یعنی همان تفکر و تعقل را از دست داده اند. ۲- اوگوست کنت: وی در این عبارت توانمندی عقل را محدود به عقل تجربی می کند و فکرمی کند که علم تجربی می تواند جایگزین فلسفه و دین شود و انسان را سعادتمند کند. ۳- جمله سوم از حافظ می باشد که بنا بر مشرب عرفان، جایگاه عشق را بر تر از عقل قرار داده است. ایشان می گویند تا انسان خودش مراتب عشق و عرفان را درک نکرده باشد، نمی تواند حقیقت عشق را توصیف کند. ۴- جمله چهارم از ویتگنشتاین است. او معتقد است که اصولاً حوزه دین از حوزه عقل جداست. دین از قبیل امور ایمانی است و عقل بیشتر برای دانش های علمی است. به همین جهت نمی توان دین را بر مبنای عقل قرار داد.

✓ کانت مفاهیمی از این قبیل را صرفاً اموری ذهنی می‌داند و بنا بر این، این مفاهیم نمی‌توانند آیینة حقایق هستی باشند و حتی این مفاهیم ساخته‌ذهن، مانع و حجاب فهم جهان هستی و واقعیات است. در حالی که از نظر فیلسوفان مسلمانی مانند ابن سینا این مفاهیم ساخته‌ذهن نیستند و برآمده و حاکی از حقایق عالم هستی‌اند و مانند آینه‌ای واقعیات بیرون از ذهن را به ما نشان می‌دهند. ملاحظه راهنمای معلم: ابن سینا می‌گوید: انسان وقتی به موجودات نگاه می‌کند آنها را ممکن الوجود می‌یابد که نیازمند واجب الوجود هستند. بنابراین، از نظر این فلاسفه، عقل، با تفکر و اندیشه در جهان موجود به مفاهیمی مثل وجوب و امکان و علیت می‌رسد. اما کانت معتقد است این مفاهیم از وجودهای خارجی به دست نمی‌آید، بلکه ساختار ذهن انسان به گونه‌ای است که این مفاهیم را دارد و آنچه را از طریق حواس به دست می‌آورد در قالب این مفاهیم قرار می‌دهد. از همین جهت است که عقل گرایی کانت متمایل به ایده آلیسم می‌شود و کانت سرآغاز یک ایده آلیسم جدید در اروپا می‌شود.

۱- افلاطون	انسان را دارای مراتبی از عقل می‌دانست که می‌تواند کلیات و حقایق عالم مثل را درک کند.
۲- ارسطو	عقل را ذاتی انسان می‌دانست و آن را در شناخت حقایق نظری و عمل توانمند می‌دانست.
۳- بزرگان اولیه کلیسا	به محدودیت عقل قایل بودند و آن را ابزار شیطنی و خلاف ایمان می‌دانستند.
۴- بیکن	عقل در خدمت حس و تجربه است.
۵- دکارت	عقل می‌تواند خدا و نفس انسان و اختیار او را درک و استدلالی کند.
۶- کانت	عقل فقط خود و قالب‌های خود را می‌شناسد.
۷- اوگوست کنت	عقل فقط زمانی که با روش تجربی و حسی وارد عمل شود، به واقعیت دست می‌یابد.

ملاحظه راهنمای معلم: ۱- افلاطون: وراى عقل انسان، یک عقل جهانی هست که عقل انسان بدان متصل می‌شود عقل انسان، مستقل از حس توانایی درک عالم مثال را دارد. عقل مربوط به حس، پایین‌ترین مرتبه عقل است که به درک عالم طبیعت تأمل می‌شود. ۲- ارسطو: انسان حیوان ناطق است، یعنی حیوانی است که تعقل و تفکر می‌کند. او دارای عقل نظری و عملی است. با عقل نظری هم جهان طبیعت و هم ماوراء طبیعت را می‌شناسد و با عقل عملی کارهای مربوط به زندگی را تنظیم می‌کند. ۳- بزرگان اولیه کلیسا: عقل توانایی ورود به حوزه دین را ندارد. مفاهیم اصلی دین برتر از فهم عقل است. دین، ایمان می‌خواهد، نه معرفت عقلانی. ۴- بیکن: ما باید به دنبال عقل تجربی برویم تا پیشرفت کنیم. عقل محض و قیاسی کارساز نیست. ۵- دکارت: عقل هم به صورت مستقل از تجربه می‌تواند به حقیقت برسد و هم از طریق تجربه. ۶- کانت: عقل نظری توانایی اثبات خدا و روح را ندارد. برای رسیدن به واقعیات فقط می‌توان از تجربه کمک گرفت. البته از طریق عقل عملی و اخلاق می‌توان به خدا رسید. ۷- اوگوست کنت: فیلسوفان به دنبال عقلی رفته‌اند که ناظر بر واقعیت نیست. عقل، صرفاً آن گاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل شود، به نتیجه می‌رسد. واقعیت، فقط همین امور مادی است که از طریق حس و تجربه به ما می‌رسد.